

اشاره:

کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با منابع عظیم زیرزمینی، در حال حاضر دوران گذار به اقتصاد آزاد را می‌گذرانند و برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار و کاهش وابستگی اقتصادی به روسیه، تلاش دارند که همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی خود را گسترش دهند و در این راستا فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری فراوانی را به بازرگانان و سرمایه‌گذاران بین‌المللی ارائه می‌دهند.

اگرچه برای این کشورها نیز توسعه مناسبات منطقه‌ای به‌ویژه با کشورهای همسایه به لحاظ حفظ امنیت سیاسی، اهمیت فزاینده‌ای دارد، اما هجوم سرمایه‌گذاران غربی به‌ویژه آمریکایی به این منطقه برای استفاده از فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در بلندمدت، فضای فعالیت‌های اقتصادی را برای کشورهای همسایه به‌ویژه ایران تا حدودی محدود کرده است.

کارشناسان بر این باور هستند که هنوز فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری بسیاری در آسیای مرکزی و قفقاز وجود دارد که می‌تواند از طریق همکاری‌های منطقه‌ای مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

در ارتباط با همکاری‌های ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به‌ویژه در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» با آقای حسین کاظم‌پور اردبیلی مشاور وزیر امور خارجه گفت‌وگویی دارد که با هم می‌خوانیم.

تجارت، موتور محرکه همکاری‌های اقتصادی و مقدم بر سرمایه- گذاری است

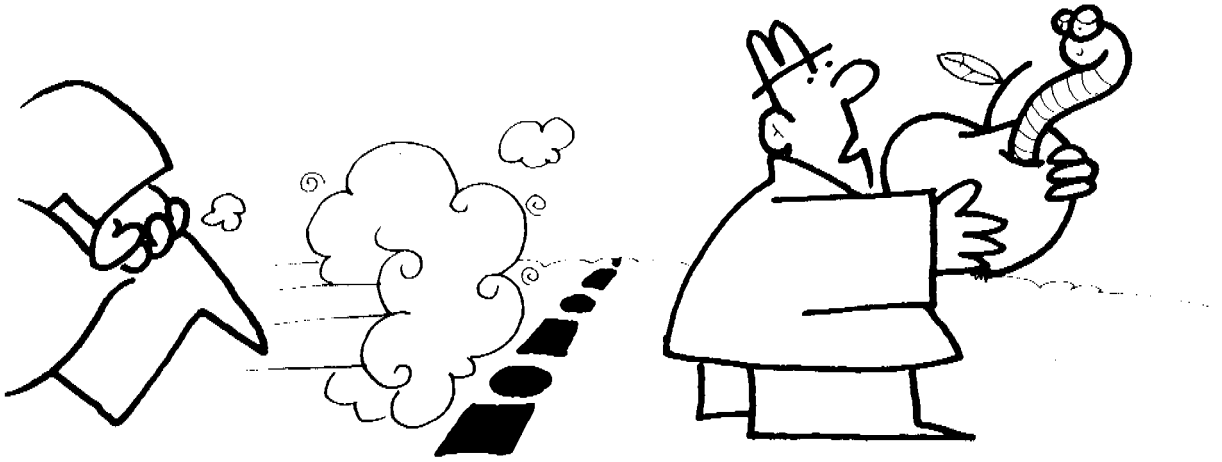
■ گفته می‌شود بخش خصوصی با صدور کالاهایی بدون کیفیت لطمه بزرگی به روابط تجاری ایران با آسیای مرکزی و قفقاز وارد کرده است. نظر شما چیست؟

□ در این زمینه بحث‌های مختلفی وجود دارد. بالطبع نمونه‌هایی از این مقوله وجود دارد که شاید مربوط به کیفیت کالا نبوده است.

برخی مواقع ممکن است به علت بسته‌بندی، محدودیت‌های اداری، قوانین، حمل و نقل و دیگر مسایل مربوطه ضایعاتی به کالاهای ایرانی وارد شده باشد که احتمال دارد ضرباتی به صادرات محصولات ایران به آسیای مرکزی و قفقاز زده باشد. روش‌های مختلفی برای کسب یک بازار وجود دارد که

بهترین آن حضور فیزیکی در کشور مصرف‌کننده و سرمایه‌گذاری مشترک برای تولید محصول در آن کشور است. در این زمینه با بردن نوعی فن‌آوری، تولید و سرمایه و استفاده از مزیت‌های نسبی آن محل، می‌توان تولید انبوه کرد.

به نظر من، اگر کاشی تولیدی در ایران با احتساب هزینه حمل و نقل به بازارهای مصرف در آسیای مرکزی و قفقاز صادر شود، مشکلی به وجود نمی‌آید. ولی اگر تولیدکننده‌ای مواد غذایی و حتی غذاهای کنسروی را بخواهد به این بازارها صادر کند، بهتر است با در نظر گرفتن مزیت‌های نسبی، در آن بازارها سرمایه‌گذاری مشترک انجام دهد. بنابراین هر یک از این بخش‌ها مزیت‌های خود را دارند و باید مورد بررسی قرار



گیرند.

البته جمهوری اسلامی ایران این روش‌ها را اصل نمی‌داند و معتقد است که تجارت بین‌الملل بر این اصول استوار نیست و می‌داند این روش‌ها در بلندمدت زیان‌های خود را دربردارد. می‌توان با پیوستن این اعضاء (کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز) به اتحادیه پایاپای آسیایی و یا ایجاد یک اتحادیه پایاپای آکو که همه اعضاء پرداخت ارزی خود را در آن حل و فصل کنند و تضمین‌هایی با خطوط اعتباری متقابل بین آنها برقرار شود و هر سه یا شش ماه یک بار حساب خود را با پول نقد تسویه کنند، حجم تجارت بین آنها توسعه می‌یابد. در این رهگذر اگر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز «محدودیت‌های ملی» در ارتباط با یکدیگر را مداخله ندهند، می‌توان حرکت اولیه را برای توسعه مراودات آغاز کرد.

اینکه در جمهوری اسلامی ایران باید یک اداره استاندارد نظارت بر کالاهای صادراتی وجود داشته باشد تا گواهی‌نامه برای انطباق کیفیت کالا با استانداردهای صادراتی براساس سفارش خرید صادر کند یا کمترین استانداردهایی که برای حفظ بازارهای آتی لازم است را تنظیم کند، یک نیاز قطعی اقتصاد کشور است که در این زمینه دولت قدم‌های اولیه را برداشته است. البته تسهیلات دیگری چون تأمین اعتبارات صادرات و تسهیلات بیمه‌ای برای توسعه صادرات وجود دارد که به‌طور عمده برای پرداخت‌ها و تضمین‌های دیگر می‌باشد.

○ انطباق کالاهای صادراتی با استانداردهای مورد سفارش مشتری، برای حفظ بازارهای آتی لازم و یک نیاز قطعی برای اقتصاد ایران است.

پس از این مرحله، برای رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در چارچوب مناسبات تجارت بین‌المللی و سازمان جهانی تجارت (WTO) در محدوده سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و آسیای مرکزی و قفقاز، قطعاً مذاکرات چند جانبه‌ای باید صورت گیرد. در این زمینه باید تعرفه‌ها یکسان شود و تمام عوارض و حقوق که روی واردات اخذ می‌شود، در یک قالب طبقه‌بندی و کالاها مشخص شود. سپس مذاکرات چندجانبه در ارتباط با کاهش تعرفه‌ها بین کشورهای عضو در چارچوب اتحادیه‌ها برقرار شود. در زمینه راهکارهای پیشنهادی نیز باید بیمه‌های صادراتی ایجاد کرد و اعطای اعتبارات صادراتی (اعتبارات خریدار و اعتبارات فروشنده) را برقرار کرد.

اگر صادرکننده به وصول پول خود و بیمه کالایش اطمینان داشته باشد و بداند که سرمایه‌اش از بین نمی‌رود، سعی نمی‌کند که حاشیه امنیت سود بالایی را با کاهش کیفیت برای خود فراهم کند. اما اگر صادرکننده به وصول پول خود اطمینان نداشته باشد، سعی می‌کند از کیفیت کالای خود بکاهد.

■ برای گسترش مراودات تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز چه راه کارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟

البته در زمینه اعتبارات قبلاً فکر شده است، ولی محدودیت‌های سقف اعتبار داشته است که باید این محدودیت کاهش و سقف اعتبارات گسترش یابد.

□ به لحاظ محدودیت منابع ارزی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز سعی شده است نظام تهاتر یا پرداخت متقابل، اعتبارات متقابل یا اتاق پایاپای مشترک چندجانبه بین کشورها به‌عنوان شیوه (مکانیزم) پرداخت موقت در نظر گرفته شود.

■ مشکلات صادرکنندگان ایرانی با کشورهای آسیای

که آسیای مرکزی تمام منابع سرمایه‌گذاری‌ها را خود تأمین کرده است. این منطقه دریچه‌ای برای ورود سرمایه‌های اروپایی با تضمین‌ها، شناسایی‌ها، بازاریابی و عرضه جنس‌های اروپایی می‌باشد. این اجناس قبلاً با مشارکت خارجی‌ها (اروپایی‌ها) در ترکیه تولید می‌شد و اکنون با حمایت، تبلیغات و پشتیبانی شرکت‌های اروپایی به صورت دست‌دوم یا سوم در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز تولید می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران برای استفاده از این روش با محدودیت‌هایی مواجه است.

■ رژیم حقوقی دریای خزر تا چه حد برای گسترش مناسبات اقتصادی کشورهای حاشیه دریای خزر مؤثر خواهد بود. این دریا چه منابع و ذخایری دارد و چگونه باید مورد استفاده قرار گیرد؟

□ این موضوع بحث بسیار طولانی است. هر نوع رژیم حقوقی می‌تواند یک آثاری بر بخشی از فعالیت‌های همکاری‌های اقتصادی و بهره‌برداری از ذخایر داشته باشد.

اگر رژیم حقوقی دریای خزر را بر مبنای مشاع مشترک بین اعضای ساحلی ببینیم، بنابراین منابع زیر بستر دریا (منابع هیدروکربور یا هر منابعی در آینده) به نسبت مساوی و یا به یک نسبت عادلانه مورد توافق همه کشورها باید بین آنها تقسیم شود و مورد بهره‌برداری مشترک قرار گیرد. این وضع یک حالتی از همکاری را ایجاد خواهد کرد. اگر بگویم منابع زیر بستر دریای خزر بر اساس خطوط مرزی هر کشور تقسیم شود و مورد بهره‌برداری قرار گیرد، هر کدام از کشورها می‌توانند یک نوع از همکاری را با حداکثرسازی منافع خودشان دنبال کنند.

○ تشکیل شرکت‌های صادراتی که با دریافت کارمزد از تولیدکنندگان، خدمات بازرگانی ارائه دهد، ضرورت دارد.

در بخشی از سرزمین‌ها نفت به سهولت قابل دسترسی است و در برخی جاها به سهولت قابل دسترسی نیست. در برخی جاها منابع نفت بیشتر است و در برخی دیگر این منابع کمتر است. بنابراین در هر کدام از اینها می‌توانند نوع بهره‌برداری از ذخایر و آثار آن بر همکاری‌های اقتصادی، متفاوت باشد. به همین دلیل رژیم حقوقی دریای خزر بسیار

□ مشکلات تجار ایرانی به جهت تشریفات اداری شدید در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، یکسان نبودن مقررات در این کشورها و نیز ناآشنایی و نبود امکان تبلیغات در زمینه کالاها و اعتبارات محدود تجار ایرانی است.

○ ایجاد بیمه‌های صادراتی و اعطای اعتبارات صادراتی از راهکارهای توسعه تجارت با آسیای مرکزی و قفقاز است.

از یک سو حمایت‌های ملی و کشوری در ارتباط با اعطای فرصت‌های صادراتی وجود ندارد و از سوی دیگر توان ملی ایران برای آنکه حمایت‌های صادراتی از منابع ملی انجام گیرد، نیز وجود ندارد.

واحدهای تخصصی صادراتی نیز در ایران وجود ندارد. اصولاً باید یک شرکت صادرکننده که در زمینه صادرات تخصص دارد، کالاهای تولیدی کارخانجات را با دریافت کارمزد (کمسیون) به بازارهای آسیای مرکزی و قفقاز صادر کند. در حال حاضر شرکت‌های صادراتی کالایی را خریداری می‌کنند و سپس آن را صادر می‌نمایند، در صورتی که آنها باید کارگزار (کمسیونر) صادراتی باشند و خدمات بازرگانی ارائه دهند.

وزارت بازرگانی، بنیاد و یا نهادهایی که توان این نوع فعالیت‌ها را دارند، باید شرکت‌های بازرگانی خارجی ایجاد کنند که با انعقاد قراردادهایی، محصولات شرکت‌های تولیدی را بر اساس خدمات کارگزاری صادر کنند، به جای آنکه مالکیت را از آن خود سازند، آنها باید به خدمات بازرگانی بپردازند.

■ چه کشورهایی رقبای ایران محسوب می‌شوند؟

□ در بازارهای کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز اصولاً رقابت بین ایران و ترکیه می‌باشد و با یک فاصله شدیدتری به پاکستان برمی‌گردد. بین ایران و ترکیه در برخی سال‌ها ایران در صدور کالای غیرنفتی به آسیای مرکزی پیش بوده است و در برخی سال‌ها ترکیه، البته به میزانی که ترکیه سهم سرمایه‌ای خود را در این کشورها افزایش داده است، فاصله عرضه کالا به بازار و درآمد خود را نیز با ایران بیشتر کرده است.

این روند می‌رود که به یک شکاف بین ایران و ترکیه در بازار آسیای مرکزی و قفقاز منجر شود. البته بدان معنا نیست

○ کسب توافق در موضوع‌هایی مانند ماهی‌گیری، حفظ محیط زیست و کشتیرانی در دریای خزر، صرف‌نظر از نوع رژیم حقوقی این دریا برای کشورهای حاشیه آن محتمل و اجتناب‌ناپذیر است.

برای تمام اجناس موردنیاز این کشورها از جمله دستمال کاغذی، غذای کودک، شیرخشک، انواع لبنیات، مواد غذایی، خودروی سواری و محصولات دیگر، بازار وجود دارد. ایران در موقعیتی است که در مقوله کالاهای مصرفی و صنعتی حالت عرضه‌کننده و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، حالت مصرف‌کننده دارند. اما در مقوله مواد خام و اولیه، آنها عرضه‌کننده و ایران مصرف‌کننده می‌باشد.

بعد از مدتی ایران می‌تواند به‌عنوان سرمایه‌گذار در تولید و فرآوری مواد خام کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز فعال باشد.

اگر این سرمایه‌گذاری با کشورهای ثالث صاحب فن‌آوری در مدت طولانی‌تر انجام شود، بالطبع یک توسعه پایدار متقابلی را برای کشورهای درگیر می‌توان در نظر گرفت. بنابراین فرصت برای تجارت و سرمایه‌گذاری و سپس ادغام نسبی اقتصادی در این منطقه برای تجار ایرانی وجود دارد. اما همان‌طور که گفته شد، تسهیلاتی در این زمینه لازم است. دولت و سازمان‌های همکاری‌های اقتصادی چند جانبه منطقه‌ای از طریق مقررات زدایی، تعرفه زدایی، یکسان‌سازی مقررات، اسناد، کاهش تشریفات اداری، قوانین تسهیلی، تضمین سرمایه، عدول از مالیات مضاعف و پدیده‌های شبیه به اینها که در حقیقت نرم‌افزارهای ادغام اقتصادی منطقه‌ای هستند، گرچه که به گستردگی سازمان‌های دیگر منطقه‌ای اثری نداشته باشد، این مراحل کار از آغاز باید تدارک دیده شود.

البته شاید تا آن مرحله که بخواهیم به بازار مشترک، اتحادیه و یا پول واحد و امثال اینها برسیم، فاصله زیادی هست و اکنون بحث آن مطرح نیست، اما این مراحل اولیه کار باید از هم‌اکنون تدارک دیده شود و حرکت کرد و به پیش رفت.

■ کشورهای غربی برای راهیابی به آسیای مرکزی و قفقاز و بهره‌گیری بلندمدت از منابع طبیعی منطقه تا چه حد پیش رفته‌اند. عمده‌ترین قراردادها چه بوده است؟

□ کشورهای غربی و به‌طور عمده شرکت‌های آمریکایی و اروپایی چون انگلیسی، هلندی و... در بهره‌برداری از منابع

بااهمیت است و تاکنون نیز مقداری در تدوین این رژیم حقوقی تأخیر ایجاد شده است. این تأخیر باعث شده منافع کشورهای غیرساحلی نیز در این وادی وارد شود و این منافع چنان به هم کره خورده که امروز تأمین حداکثر منافع کشورهای ساحلی را نیز تا حدودی تحت تأثیر قرار داده است.

گفته می‌شود در این دریاچه از ۹۵ تا ۱۸۰ میلیارد بشکه نفت وجود دارد. در این ارتباط نظرها بیشتر روی ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیارد بشکه می‌باشد و بیشتر از آن شاید برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بزرگنمایی شده باشد. اما به هر حال این منابع وجود دارد. این که این منابع بیشتر در حاشیه آذربایجان و حاشیه قزاقستان قرار گرفته نیز تا حدودی درست است. ترکمنستان و بخش‌های متعلق به ایران (در صورت تقسیم) هم منابع نفتی شناخته شده نسبی دارند. بنابراین، این که دریای خزر براساس سرزمین یا منابع تقسیم شود، هر کدام یک تأثیر را موجب می‌شود.

به هر حال این موضوع که تقسیم فقط درباره منابع خزر باشد و یا شامل اعمال حاکمیت ملی هم بر آب و سرزمین باشد یا نباشد، بحث‌هایی است که تمامی آن در مقوله رژیم حقوقی جزو دستور کار قرار می‌گیرد. در هر حال موضوعاتی چون ماهی‌گیری، حفظ محیط زیست و کشتیرانی قطعاً از موضوع‌هایی است که صرف‌نظر از نوع رژیم حقوقی، حصول توافق بر آنها، محتمل و اجتناب‌ناپذیر است. یعنی بایستی در هر دوی این حالات صرف‌نظر از رژیم حقوقی خزر، به توافق برسیم و نمی‌توان از آن عدول کنیم. از سه مقوله حفظ محیط زیست، ماهی‌گیری و کشتیرانی باید استفاده کرد. اما نوع رژیم حقوقی در بهره‌برداری از منابع زیر بستر، آثار متفاوتی دارد که پیرامون آن بحث شد.

■ فرصت‌های تجاری در آسیای مرکزی و قفقاز برای تجار ایرانی چیست؟ چه توصیه‌هایی در این زمینه دارید؟

□ فرصت‌های بسیاری با این عنوان که ایران مرکز تولید و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مرکز مصرف باشد، در کوتاه‌مدت وجود دارد.

○ با وجود اهمیت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، تاکنون در تدوین آن تأخیر شده است و این تأخیر، تأمین حداکثر منافع کشورهای ساحلی خزر را تا حدودی تحت تأثیر قرار داده است.

وجود دارد. البته هر کدام از این دو موضوع حاشیه سود و امنیت متفاوتی دارد.

○ **فعالیت شرکت‌های غربی به‌ویژه آمریکایی در توسعه و بهره‌برداری از منابع نفتی دریای خزر پیش‌رفته است و در بخش خطوط انتقال نفت، مطالعات نهایی را می‌گذارند.**

در سنوات گذشته، ایران حاشیه سود بیشتری را می‌توانست داشته باشد و به‌تدریج که رقابت در این بازارها وارد شد و آنها به تجارت آزاد روی آوردند، حاشیه سود محدودتری به‌وجود آمده است. به هر حال ایران به جهت دسترسی آسان‌تر، همسایگی و هم‌مرزی با این کشورها، و به جهت آنکه کشوری است که می‌تواند از این فرصت‌ها بهره‌برداری کند، امتیازهایی دارد.

برای تضمین سرمایه‌گذاری‌های ایران در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نیز دولت باید در قراردادهای دوجانبه با دولت‌های این کشورها، قوانین جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در آن کشورها را تقویت نماید و در رایزنی‌های دوجانبه به‌طور متقابل به آنها حمایت بدهد و از آنها حمایت سرمایه‌گذاری‌های ایرانی را بخواهد، تا اگر زمانی مسأله خلعید یا مشکلات دیگری به‌وجود آمد، دولت‌های کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در مورد خسارات وارده به سرمایه‌گذاران ایرانی پاسخ‌گو باشند. در ضمن، دولت می‌تواند تسهیلاتی را برای صدور سرمایه و فن‌آوری به کشورهای موردبخت فراهم کند.

البته این بحث وجود دارد که آیا سرمایه‌گذار ایرانی باید از منابع ارزی و ریالی خود برای ورود به این کشورها استفاده کند، چه مکانیزم‌هایی برای تبدیل منابع ریالی و ارزی وجود دارد، دولت چه تسهیلات و اعتبارات ریالی و ارزی برای بردن این سرمایه‌ها در نظر می‌گیرد، چه نسبتی بین این دو عدد هست، در چه رشته‌هایی هست و میزان ارزآوری آتی این پروژه‌ها چقدر است. تمامی این بحث‌ها باید از سوی سازمان جلب و سرمایه‌گذاری خارجی که هم‌اکنون برای ورود سرمایه خارجی در وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌باشد، پیگیری شود و این نهاد نظارت بر صدور سرمایه‌گذاری خارجی را نیز داشته باشد و تسهیلاتی نیز در این زمینه‌ها برای سرمایه‌های

طبیعی زیر بستر دریای خزر پیش‌رفته‌اند و قراردادهای عمدی منعقد کرده‌اند.



این شرکت‌ها در حال اکتشاف و تولید نفت هستند و تولیدات آنها از سال آینده وارد بازار می‌شود.

پیش‌بینی می‌شود آنها در چند سال آینده یعنی تا سال ۲۰۰۵ میلادی در حدود ۱/۵ میلیون بشکه نفت خام در روز به بازار عرضه کنند و شاید این اعداد قدری خوشبینانه باشد. قراردادهایی برای مطالعات خطوط انتقال نفت از طریق ترکیه به دریای سیاه، از طریق گرجستان به دریای سیاه، از طریق روسیه و نیز خطوط دیگری که بخشی از آن از خاک ایران می‌گذرد، در دستور کار گروه‌های درگیر وجود دارد.

فعالیت در بخش توسعه و بهره‌برداری از منابع نفتی نسبتاً پیش‌رفته و در بخش احداث خطوط لوله مراحل مطالعات نهایی خود را می‌گذارند و در بخش گاز نیز چیزی اضافه‌تر از آنچه که قبلاً بوده، هنوز شروع نشده است.

■ **آیا فرصت ایران برای بهره‌برداری از بازار آسیای مرکزی و قفقاز در جهت سرمایه‌گذاری و تجارت از دست رفته است؟ برای تسریع کار چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟**

لاا درخصوص این موضوع، به نظر من هیچ فرصتی از دست نرفته، همیشه برای این که انسان کار و فعالیت برای سرمایه‌گذاری و توسعه تجارت در این مناطق انجام دهد،

ایران در قزاقستان و نقاط دیگر فراهم کند.

○ هیچ فرصت تجاری و سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی و قفقاز از دست نرفته است، اما هر کدام از این دو مقوله، حاشیه سود و امنیت متفاوتی دارند.

به نظر من تسهیلات در این بخش‌ها در کشور کم است. بانک‌ها به‌طور متفرق و نسبی در زمینه تجارت فعال می‌باشند و صندوق‌های ضمانت صادراتی برای کارهای تجاری در ظرفیت‌های محدود به آن پرداخته‌اند. ولی یک طرح کلان برای نظارت بر همه رفت‌وآمدهای آزاد سرمایه هنوز برای ایران تدارک و طراحی نشده است.

■ سیمای اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز را چگونه بیان و

تشریح می‌نمایید؟

□ سیمای اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز در شرایط کنونی، سیمای عقب‌مانده‌ای است. زیربنای اقتصاد آنها بافت کشاورزی و خدماتی محدودی دارد. از نظر صنعتی بیشتر وابسته به منابع اولیه دیگر مناطق می‌باشند و هیچ‌کدام از این کشورها، صنعتی که ماده اولیه آن نزد خودشان باشد، نداشتند. در نتیجه وقتی استقلال یافتند، بخش‌های صنعتی و اقتصادی آنها توسعه پایدار و بنیانی نداشتند.

این کشورها اکنون نیازمند حمایت و توسعه بخش‌های اقتصادی و صنعتی و سرمایه‌گذاری در آنها هستند. آینده هر یک از این کشورها بسیار روشن است و به‌طور بالقوه امکاناتی از نظر منابع و حتی نیروی انسانی در این کشورها وجود دارد و به آینده اقتصادی این کشورها در صورت توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و جذب همکاری‌های بین‌المللی می‌توان امیدوار بود.

■ سرمایه‌گذاران ایرانی در چه بخش‌هایی می‌توانند در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز سرمایه‌گذاری کنند؟ فرصت‌های سرمایه‌گذاری در هر یک از این کشورها چیست؟

□ ایرانیان می‌توانند در هر زمینه‌ای که به توسعه منابع اولیه در آسیای مرکزی و قفقاز متصل باشد، سرمایه‌گذاری کنند. در بخش‌های نفت، گاز، اورانیوم، آهن، مس، حتی کشاورزی و دامپروری مانند پنبه، چغندر، شیر، گوشت و... که بتوان به عنوان ماده اولیه به ایران وارد و سپس فرآوری کرد و به آسیای مرکزی و قفقاز صادر نمود، اولویت دارد.

در زمینه‌هایی که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بیشترین هزینه ارزی را دارند، یعنی اگر کشورهای همسایه بیشترین ارز را در خرید خودرو، فولاد و تراکتور پرداخت می‌کنند، اینها بازارهای بالقوه اصلی هستند و برای سرمایه‌گذاری و تأمین منابع اولیه موردنیاز ما نیز اولویت دارند. از این جهت باید حرکت را آغاز کرد و ایران می‌تواند با همسایگان خود یعنی ترکمنستان و آذربایجان و در حاشیه‌ای فراتر، این توسعه سرمایه‌گذاری را پیش برد.

■ آیا به نظر شما فعالیت سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی

و قفقاز بهتر از تجارت نیست؟

□ به نظر من تسهیل تجارت خودبه‌خود به مراحل از کار می‌انجامد که توسعه سرمایه‌گذاری، توجیه اقتصادی دارد. در این مرحله تجارت تبدیل به سرمایه‌گذاری خواهد شد. بنابراین، تجارت اصلی‌ترین موتور محرک همکاری‌های اقتصادی و مقدم بر سرمایه‌گذاری است. البته نه به این معنا که تجارت هدف نهایی هر همکاری اقتصادی است. مراحل پیشرفته‌تری از تجارت می‌تواند توأم با سرمایه‌گذاری باشد.

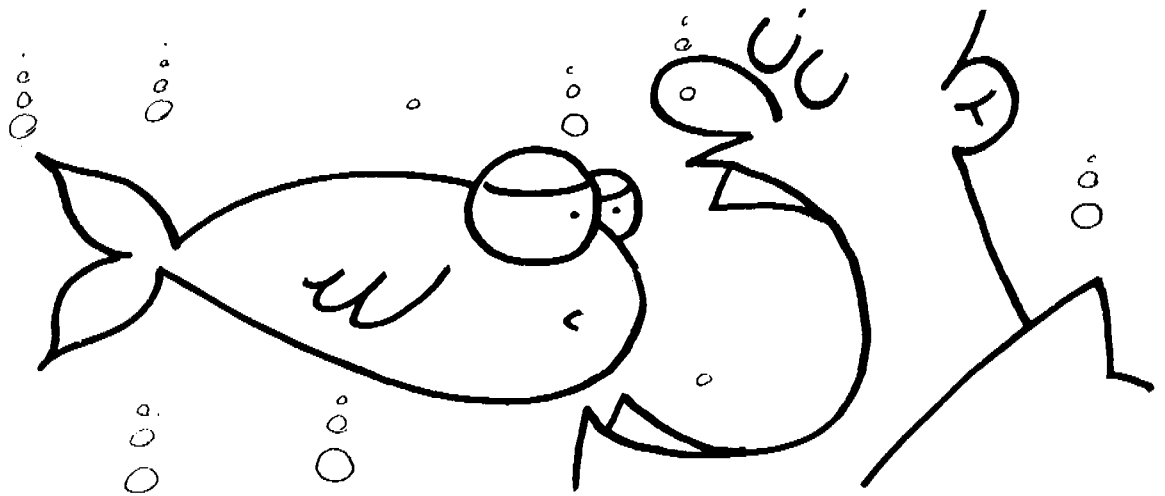
اصولاً سرمایه‌گذاری برای تضمین و تداوم تجارت صورت می‌گیرد. بنابراین تجارت، رفع موانع تجاری، ارایه حمایت و تسهیلات خدمات تجاری از سوی دولت، قدم اول است و آنگاه به مراحل سرمایه‌گذاری و توجیه‌های مربوطه که می‌رسیم، باز هم دولت باید برای ساختاری و نهادینه کردن تجارت پایدار، سرمایه‌گذاری را به عنوان ابزار به کار گیرد.

■ عمده‌ترین معضلات اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی

و قفقاز در حال حاضر چیست؟

□ نداشتن بافت اداری قانونی و مقرراتی در این کشورها از جمله معضلات اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است. به جهت بی‌ثباتی مقررات که به معنای بی‌ثباتی سیاسی نیست و به معنای نداشتن نظام اداری - اجرایی توسعه یافته و قابل انطباق با نظام بین‌المللی و آزاد که در ایران، ترکیه و پاکستان و یا غرب وجود دارد، می‌باشد، بایستی به تدریج در این کشورها به وجود آید.

○ زمینه‌های ارزش در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و منابع اولیه آنها، زمینه‌های سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد. باید در این بخش حرکت را شروع کرد.



کشورها محسوب می‌شود. به‌ویژه مسایل ترانزیتی، حمل و نقل منابع گاز و نفت و توسعه تجارت در منطقه.

■ آیا غرب به ویژه آمریکا، فرصت‌های تجاری ایرانی در آسیای مرکزی را محدود می‌نماید.

لاطبعاً غرب و به ویژه آمریکا فرصت‌های تجاری ایران در این مناطق را محدود می‌کند. بر اثر مشکلات سیاسی که ایران با آمریکا دارد، آمریکا مانع بسط و توسعه همکاری‌های ایران به‌ویژه در مقوله انتقال انرژی و توسعه منابع انرژی در منطقه خزر با وجود مزیت نسبی اقتصادی ایران در این مقوله می‌شود.

دولت آمریکا و شرکت‌های آمریکایی بر این امر واقف هستند که ایران بهترین مسیر عبور (ترانزیت) و بهترین شریک همکاری برای توسعه و بهره‌برداری از منابع و خطوط انتقال از جهات فنی و اقتصادی در این منطقه است.

صرف‌نظر از این مقطع خاص و مشکلی که آمریکا با ایران دارد، آمریکا به‌طور طبیعی ترجیح می‌دهد که این کشورها را از روسیه دور کند و در جهت تقلیل وابستگی آنان به روسیه تلاش کند و می‌خواهد ترکیه را جایگزین روسیه کند، چون احساس می‌کند این انتخاب بهتری برای این مقطع است.

ممکن است این بهترین انتخاب در این مقطع برای آمریکا باشد، چرا که ایران داوطلب چنین همکاری با آمریکا نشده است. اما در مجموع به‌نظر می‌رسد که این موانع از سوی

مهم‌ترین مشکل اقتصادی این کشورها کمبود سرمایه است. البته ایران هم در این زمینه با محدودیت مواجه است. امروزه در دنیا مهم‌ترین عامل توسعه، فن‌آوری و سرمایه است کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز ثروت ملی دارند، اما در زمینه‌های فن‌آوری و سرمایه با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشند. البته این دو مقوله نسبی می‌باشند و با توجه به این امر، ایران می‌تواند در بخشی از فعالیت‌های اقتصادی این کشورها وارد شود و نیاز آنها را تأمین کند.

○ بحث سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی و قفقاز اهمیت ویژه‌ای دارد و تضمین سرمایه‌گذاری متقابل از سوی دولت‌ها باید پیگیری شود.

■ ایران چه مزیت‌هایی برای گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز دارد؟

با ایران مزیت‌های گسترده‌ای برای کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز می‌تواند داشته باشد که به‌طور عمده مزیت تکمیل‌کنندگی اقتصاد آنها، دادن تخصص، فن‌آوری و سرمایه هر چند محدود و رفع این نوع کمبودها است. دسترسی این کشورها به بازارهای ایران و از طریق ایران به بازارهای جهانی، مقوله دیگری است که جزو مزیت‌های ایران برای این

میلیون دلار به ۷۳/۵ و سپس به ۱۱۲ میلیون دلار افزایش پیدا کرد.

ارزش صادرات ایران به جمهوری آذربایجان که در سال ۷۳ بیش از ۱۹۷/۹ میلیون دلار بود، در سال ۷۴ به ۱۶۳/۲ میلیون دلار تقلیل یافت، اما در سال ۷۵ به حدود ۱۸۹/۵ میلیون دلار رسید. در همین مدت ارزش واردات ایران از این جمهوری از ۳۹۲/۲ میلیون دلار به ۲۰۹/۵ میلیون دلار و سپس در سال ۷۵ به ۲۵۱.۸ میلیون دلار بالغ شد.

تجارت ایران با ترکمنستان نیز در این دوران تحولاتی را به ثبت رساند. ارزش صادرات ایران به ترکمنستان در سال‌های ۷۴ و ۷۵ به ترتیب ۴۰۱/۵، ۶۶/۵ و ۱۲۵/۱ میلیون دلار و ارزش واردات از ترکمنستان به ترتیب ۱۷/۶، ۳۳/۵ و حدود ۸/۹ میلیون دلار بود.

اماره‌های موجود نشان می‌دهد که صادرات ایران به ازبکستان از ۲۶/۸ میلیون دلار در سال ۷۳ به حدود ۷۰ میلیون دلار در سال ۷۴ و سپس ۱۲۴/۵ میلیون دلار در سال ۷۵ افزایش یافته است. در حالی که ارزش واردات ایران از ازبکستان در سال ۷۳ به میزان ۳/۷ میلیون دلار، در سال ۷۴ به میزان ۳/۹ میلیون دلار و در سال ۷۵ به میزان ۲۴/۲ میلیون دلار ثبت شد. ارزش صادرات ایران به جمهوری قرقیزستان نیز از ۳۰/۱ میلیون دلار در سال ۷۳ به ۳۴/۷ میلیون دلار در سال ۷۴ و سپس به ۳۲/۳ میلیون دلار در سال ۷۵ رسید، اما ارزش واردات ایران از این جمهوری در سال‌های مورد اشاره به ترتیب ۵/۷، ۷/۳ و ۲۷/۲ میلیون دلار ثبت شد.

○ تکمیل‌کنندگی اقتصاد ایران برای اقتصاد منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، ارایه دانش فنی و سرمایه (حتی در سطح محدود) می‌تواند مزیت‌های همکاری با ایران را برای کشورهای این منطقه بارز نماید.

تاجیکستان نیز در سال ۷۳ حدود ۸ میلیون دلار، در سال ۷۴ حدود ۱۱/۴ میلیون دلار و در سال ۷۵ بیش از ۲۱/۷ میلیون دلار کالا از ایران خریداری کرد و در مقابل به ترتیب حدود ۱/۲، ۱/۳ و ۱/۷ میلیون دلار کالا به ایران در سال‌های مورد بحث صادر نمود.

امریکا طرح و بر آن اصرار می‌شود. با وجود غیراقتصادی بودن اتخاذ این مواضع سیاسی که مورد مخالفت شرکت‌ها و مغایر با منافع شرکت‌های آمریکایی است، اینکه چه زمانی دست از این دشمنی و یا محدود کردن منافع ایران برمی‌دارد، قطعاً به تحولات سیاسی که در روابط دوجانبه وجود دارد بازمی‌گردد.

○ نداشتن بافت اداری قانونی، بی‌ثباتی مقررات، نظام اجرایی توسعه نیافته، کمبود سرمایه و ضعف فن‌آوری، مهم‌ترین معضلات اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است.

به عقیده من به هر حال آمریکایی‌ها با وجود مزیت‌های اقتصادی ایران، مسیر ایران و همکاری‌های ایران در توسعه‌ها، به این موضع اصرار می‌ورزند که موضع غلطی است، زیرا ایران مخالف حضور سرمایه‌های خارجی در خزر نیست.

ایران با هر نوع سرمایه خارجی برای توسعه منابع انرژی و بهره‌برداری از خطوط انتقال از جمله سرمایه آمریکایی در منطقه مخالفتی ایران نکرده است.

بنابراین دلیلی برای ادامه خصومت در این مقوله دیده نمی‌شود و امیدواریم تجدیدنظر شود و امیدواریم واقعیت‌ها و تجزیه و تحلیل‌های عوامل اقتصادی در اتخاذ یک تصمیم اقتصادی بر اصرار غیرمنطقی بر مواضع سیاسی تفوق پیدا کند و ایران بتواند در این نوع همکاری‌های سهمی باشد.

البته ایران به تلاش خود برای حداکثر کردن حضور و منافع اقتصادی خود در منطقه به دور از نظرات آمریکا ادامه می‌دهد و در روابط دوجانبه خود با هر یک از این کشورها و یا روابط چندجانبه منطقه‌ای و با حضور هر کشوری به غیر از آمریکا که با ایران دشمنی ندارد، همکاری‌های خود را تا میزانی که می‌تواند به پیش خواهد برد.

■ ارزش مناسبات اقتصادی ایران با هر یک از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز عضو سازمان همکاری اقتصادی (اگو) در سال‌های اخیر چه روندی طی کرده است؟

با ارزش صادرات ایران به قزاقستان از ۳۲/۸ میلیون دلار در سال ۷۳ به حدود ۴۶/۲ میلیون دلار در سال ۷۴ افزایش یافت، اما در سال ۷۵ با اندکی کاهش به ۴۵ میلیون دلار رسید. در مقابل، واردات ایران از قزاقستان در همین مدت از حدود ۳۹/۲